



Investigating the Impact of Managers' Ability on Conservatism with a Focus on the Size and Leverage of Firms

Shokrollah Khajavi* 

*Corresponding Author, Prof., Department of Accounting, Faculty of Economics Management & Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir

Soraya Weysihsar 

MSc., Department of Accounting, Kar Higher Education Institute, Qazvin, Iran. E-mail: soraiaweysihsar@yahoo.com

Ali Ghayouri Moghaddam 

Assistant Prof., Department of Accounting, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. E-mail: ali.ghauory@gmail.com

Abstract

Objective: Managers' efficiency in using corporate resources is reflected in the information presented in the financial reports. The conservatism level in preparing financial reports is a criterion through which the quality of financial reporting can be measured. Managers can have conservative or less conservative (progressive) reporting based on ability according to the authority assigned to them and based on the theoretical framework of financial standards. Research has shown that if other factors remain stable, capable managers adopt conservative reporting by meeting the expectations of stakeholders and improving the firm's performance. That is because firms with high accounting conservatism are faced with fewer regulatory constraints, better internal governance quality, efficient contract utilization, minimization of agency costs, and minimization of taxes or legal costs. Since high-ability managers have unique skills and expertise to improve firm performance, negotiate auction deals in a better way, and more precisely estimate the variation in future firm performance, they can predict future losses better and incorporate to a timely reporting. However, the use of conservatism also depends on factors such as the size of the firm or the amount of financial leverage. This is because the level of complexity of the firm can be one of the most important factors in the managers' election. Therefore, deciding the level of conservatism may be a result of the size of the firm or the amount of its financial leverage rather than the ability of the management. In larger firms, disclosure of the information is more, and as a result information asymmetry is less. These firms have lower tax and legal demands and more regularity and uniformity and debt contracts usually include precise conditions, the

violation of which leads to the imposition of costs on the firm, and after that managers with a high ability to serve the interests of the company apply lower levels of conservatism in large and leveraged firms. Therefore, firm size and financial leverage can moderate the relationship between managers' ability and conservatism. According to this, the main goal of this research is to examine managerial ability effects on conservatism emphasizing the role of firm size and financial leverage in Tehran Stock Exchange listed companies.

Methods: The research hypotheses, made using 125 firms in six years from 2015 to 2020, were statistically tested based on multivariate regression models. To measure the ability of the management, the model of Demerjian et al. (2012) and the firm's adjusted performance industry considering were utilized. Conservatism was calculated based on accrual and market criteria.

Results: The results indicated that along with any increase in managerial ability, the extent of conservatism increases as well. Moreover, managers with high ability employ lower levels of conservatism in large and leveraged firms.

Conclusion: The achieved findings indicated that high-ability managers apply conservatism to benefit firms and their stakeholders. First, capable managers use their unique skills and expertise to report conservatively based on efficient contracts. Second, they apply conservatism to prevent some consequences such as losing reputation and future jobs. In addition, decision-making about conservatism depends not only on managerial ability but also on organizational characteristics. Therefore, the influential factors of size and financial leverage must be considered by investors, creditors, auditors and other stakeholders in assessing managerial ability along with assessing the level of conservatism in financial statements or while making efficient contractual arrangements with managers'.

Keywords: Conservatism, Financial leverage, Firms size, Managerial ability.

Citation: Khajavi, Shokrollah; Weysihsar, Soraya & Ghayouri Moghaddam, Ali (2022). Investigating the Impact of Managers' Ability on Conservatism with a Focus on the Size and Leverage of Firms. *Accounting and Auditing Review*, 29(4), 628-649. (in Persian)





تأثیر توانایی مدیران بر محافظه‌کاری با تأکید بر نقش اندازه شرکت و اهرم مالی

شکرالله خواجهی *

* نویسنده مسئول، استاد، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir

ثریا ویسی حصار

کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران. رایانامه: soraiaweysihesar@yahoo.com

علی غیوری مقدم

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: ali.ghauory@gmail.com

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر توانایی مدیران بر محافظه‌کاری با تأکید بر نقش اندازه شرکت و اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش: فرضیه‌های پژوهش برای ۱۲۵ شرکت طی دوره ۶ ساله، از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چندمتغیره آزمون شد.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که با افزایش توانایی مدیران، سطح محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. همچنین، مدیران بسیار توانا سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های بزرگ و اهرمی اعمال می‌کنند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که مدیران بسیار توانا، به دلیل منتفع‌شدن شرکت و ذی‌نفعان محافظه‌کاری می‌کنند. اول، مدیران توانمند از مهارت‌ها و تخصص استثنایی خود برای گزارش محافظه‌کارانه، بر اساس قراردادهای کارا استفاده می‌کنند؛ دوم، مدیران بسیار توانا، از محافظه‌کاری پیروی می‌کنند تا از پیامدهایی مثل از دست‌دادن شهرت و مشاغل آینده جلوگیری کنند. علاوه بر این، تصمیم‌گیری درباره محافظه‌کاری، نه تنها به توانایی مدیر، بلکه به ویژگی‌های سازمانی نیز وابسته است؛ بنابراین سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، حساب‌رسان و سایر ذی‌نفعان، در ارزیابی توانایی مدیران هنگام ارزیابی سطح محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی یا هنگام ایجاد تنظیمات قراردادی کارا با مدیران، باید اندازه و اهرم مالی شرکت را نیز به‌عنوان عوامل اثرگذار در نظر داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: اندازه شرکت، اهرم مالی، توانایی مدیران، محافظه‌کاری.

استناد: خواجهی، شکرالله؛ ویسی حصار، ثریا و غیوری مقدم، علی (۱۴۰۱). تأثیر توانایی مدیران بر محافظه‌کاری با تأکید بر نقش اندازه شرکت و اهرم مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۴)، ۶۲۸-۶۴۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2022.345031.1008698>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۱، دوره ۲۹، شماره ۴، صص. ۶۲۸-۶۴۹

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

مقدمه

کیفیت گزارشگری به میزان ارائه و آشکارسازی وضعیت اقتصادی یک شرکت به‌وسیله گزارش‌های مالی و عملکرد آن به‌شیوه صحیح و صادقانه اشاره دارد. در تهیه گزارش‌های مالی، میزان محافظه‌کاری معیاری است که از طریق آن می‌توان کیفیت گزارشگری مالی را اندازه‌گیری کرد. طبق الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران، مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی، به‌عنوان هسته اصلی گزارشگری مالی با هیئت مدیره واحد تجاری است که این مهم به مدیریت واحد تجاری تفویض شده است (مهرانی، نظری و قاسمی‌فرد، ۱۳۹۹). با توجه به اختیارات تفویض شده به مدیر در چارچوب نظری استانداردهای مالی، مدیر بر اساس توانایی خود می‌تواند گزارشگری محافظه‌کارانه یا کمتر محافظه‌کارانه (متهورانه) داشته باشد (گوای^۱، ۲۰۰۸؛ مشایخی و مطمئن، ۱۳۹۲).

مدیران با توانایی بالا، ممکن است محافظه‌کاری را در جهت منافع ذی‌نفعان به‌کار گیرند. برای مثال، محافظه‌کاری می‌تواند کارایی قراردادهای بین مدیریت و سهام‌داران را افزایش و مشکلات نمایندگی را کاهش دهد و نظارت بر مدیریت را بهبود بخشد (بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵). به‌طور مشابه محافظه‌کاری، به‌عنوان محافظی در برابر فرصت‌طلبی گذشته مدیریت (گائو^۳، ۲۰۱۳)، ساده‌شدن قرارداد بدهی (بتی، وبر و یو^۴، ۲۰۰۸؛ نیکولاو^۵، ۲۰۱۰) و کاهش محدودیت‌های نظارتی عمل می‌کند (آلام و پتروسکا^۶، ۲۰۱۲؛ لوبو و ژو^۷، ۲۰۰۶). علاوه بر این، مدیران بسیار توانا ممکن است محافظه‌کاری را به‌کار گیرند تا شهرت و اعتبار خود را تقویت کنند و از شهرت بالقوه منفی، به‌سبب پنهان کردن عملکرد ضعیف آینده جلوگیری کنند. از آنجا که مدیران با توانایی بالا برای بهبود عملکرد شرکت (دمرجیان، لو، لویز و مک‌وی^۸، ۲۰۱۳)، مذاکره درباره معاملات مزایده به‌روشن بهتر (کاستودیو و متزگر^۹، ۲۰۱۳) و تخمین دقیق‌تر تغییرات در عملکرد آینده شرکت، از مهارت و تخصص استثنایی برخوردارند (بایک، فاربر و لی^{۱۰}، ۲۰۱۱) قادرند زیان‌های آینده و ترکیب این‌ها را در یک گزارش به‌موقع بهتر پیش‌بینی کنند (حیدر، سینگ و سلطانا^{۱۱}، ۲۰۲۱).

علاوه بر توانایی مدیران، عوامل دیگری چون اندازه شرکت و اهرم مالی نیز می‌تواند بر محافظه‌کاری اثرگذار باشد. با توجه به اینکه در شرکت‌های بزرگ‌تر، افشای اطلاعات بیشتر و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی کمتر است، در این شرکت‌ها، تمایل کمتری به استفاده از محافظه‌کاری وجود دارد (لافوند و واتز^{۱۲}، ۲۰۰۸؛ مهرانی، وافی ثانی و حلاج، ۱۳۸۹). در خصوص ارتباط بدهی با محافظه‌کاری نیز، مبانی نظری بیانگر آن است که بعضی مدیران انگیزه دارند که رویه‌های حسابداری جسورانه (غیرمحافظه‌کارانه) را انتخاب کنند. علت این امر، آن است که قراردادهای بدهی معمولاً

1. Guay
2. Ball & Shivakumar
3. Gao
4. Beatty, Weber & Yu
5. Nikolaev
6. Alam & Petruska
7. Lobo & Zhou
8. Demerjian, Lev, Lewis & McVay
9. Custodio & Metzger
10. Baik, Farber & Lee
11. Haider, Singh & Sultana
12. LaFond & Watts

شروط تعیین‌شده‌ای دارند که با متغیرهای حسابداری مرتبط است (برای مثال حداقل نسبت بدهی تعیین شده) که نقض آن‌ها به تحمیل هزینه به شرکت منجر می‌شود. رویه‌های حسابداری افزایشدهنده سود در جلوگیری از نقض این شروط سودمندند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، مدیران با توانایی بالا، سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های اهرمی اعمال می‌کنند. در هر صورت، در شرکت‌های بزرگ یا اهرمی، ممکن است رفتار مدیر توانا در گزارش محافظه‌کارانه متفاوت باشد که لازم است بررسی شود.

مجموعه مباحث فوق نشان می‌دهد که محافظه‌کاری در گزارشگری مالی، می‌تواند از توانایی‌های مدیریتی تأثیر پذیرد و از آنجایی که ممکن است شرکت‌ها و مدیران آن‌ها به علت تفاوت در ویژگی‌ها، دارای توانایی‌های مدیریتی متفاوت و در نهایت، کیفیت گزارشگری مالی متفاوت باشند، به نظر می‌رسد که بررسی تأثیر توانایی مدیران روی محافظه‌کاری، لازم و ضروری بوده و گامی مفید در جهت تکمیل ادبیات مربوط به این موضوع است. علی‌رغم پژوهش‌های متعدد در خصوص ویژگی‌های مدیران و تأثیر آن بر محافظه‌کاری و نیز، ویژگی‌های شرکت و تأثیر آن بر محافظه‌کاری، این دو موضوع اغلب به صورت جداگانه و بدون ارتباط با هم مورد بررسی قرار گرفته است. در صورتی که پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری دربارهٔ محافظه‌کاری، نه تنها به صفات خود مدیران (مثل توانایی مدیر)، بلکه به ویژگی‌های سازمانی نیز وابسته است. بنابراین با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در ایران در این زمینه صورت نگرفته است، در این پژوهش به بررسی رابطه بین توانایی مدیران و محافظه‌کاری با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی اندازه شرکت و اهرم مالی پرداخته شده است. در حقیقت، وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر، تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی دو متغیر یادشده است که در پژوهش‌های داخلی بررسی نشده است. در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر، ضمن پُر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مناسبی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان بازار سرمایه قرار خواهد داد.

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش مطرح و روش‌های به کار گرفته شده برای آزمون فرضیه‌ها بیان می‌شود. در پایان نیز، پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری دربارهٔ موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

توانایی مدیران و محافظه‌کاری

از آنجا که محافظه‌کاری ممکن است منعکس‌کننده سودهای با کیفیت بالا یا پایین باشد، مدیران بسیار توانا می‌توانند به سه شیوه متفاوت به گزارشگری محافظه‌کارانه واکنش نشان دهند (حیدر و همکاران، ۲۰۲۱). اول، مدیران با توانایی بالا، ممکن است از گزارش محافظه‌کارانه یا سود افزایشی اجتناب کنند و در عوض اعداد واقعی حسابداری را به‌طور صادقانه گزارش کنند تا برای دارندگان اوراق قرضه و سایر سهام‌داران ریسک کمتری داشته باشند. این می‌تواند برای مدیران با اجتناب از هرگونه دعوی قضایی آینده یا هرگونه پیامدهای مغایر برای وجهه و اعتبارشان مفید واقع شود؛ چرا که از مدیران با توانایی بالا انتظار می‌رود عملکرد بهتری را برای شرکت رقم بزنند؛ از این رو اتخاذ گزارشگری محافظه‌کارانه، می‌تواند وجهه و اعتبار آن‌ها را کاهش دهد. بنابراین، این امکان وجود دارد که مدیران با توانایی بالا ارقام واقعی

حسابداری را به صورت صادقانه گزارش کنند و هیچ‌گونه محافظه‌کاری را به کار نگیرند. دوم، مدیران با توانایی بالا ممکن است از مهارت‌ها و تخصص خود برای گزارش ارقام حسابداری با سوگیری صعودی استفاده کنند. بزرگ‌نمایی دارایی‌ها یا پنهان کردن زیان‌های مورد انتظار، به عملکرد بهتر شرکت منجر شده و در نتیجه، فرصتی برای مدیران ایجاد می‌شود تا انگیزه‌های شخصی، مثل افزایش دستمزد آن‌ها را توجیه کند. این می‌تواند به پیامدهای دیگری مثل اجتناب از نقض قرارداد بدهی و کاهش هزینه سرمایه نیز منجر شود. سوم، مدیران با توانایی بالا، احتمالاً سطوح بالایی از محافظه‌کاری را در گزارش اعمال می‌کنند. مدیران با توانایی بالا، با مهارت‌ها و تخصص منحصر به فرد خود می‌توانند کارها و وظایف پیچیده را به صورت کارا انجام دهند (میشرا^۱، ۲۰۱۴). به تبعیت از بحث قرارداد کارا، چنین مدیرانی می‌توانند با استفاده از این قابلیت‌ها، محافظه‌کاری را به طور مؤثرتری در قراردادهای بدهی بگنجانند تا اعتبار خود را در بازار حفظ یا افزایش دهند. علاوه بر این، مؤسسه‌های مالی مانند اعتباردهندگان، برای زیان‌های آینده یک شرکت در رابطه با تأمین سرمایه‌های خود نگران هستند (لارا، اوسما و پنالوا^۲، ۲۰۰۷). در قرارداد کارا، از مدیران انتظار می‌رود که اطلاعات دقیق و به موقع را به بازار ارائه دهند و ارائه‌دادن چنین اطلاعاتی به اعتباردهندگان، می‌تواند مدیران را با عواقب نامطلوبی از جمله پایان کار خود مواجه کند. علاوه بر این، زیان اقتصادی سوء شهرت برای مدیران با توانایی بالا، بیشتر است و بنابراین، احتمالاً مدیران با توانایی بالا ممکن است منابع شرکت را کمتر صادره کنند و با استفاده از روش‌های محافظه‌کارانه از مشکلات خطرهای اخلاقی جلوگیری کنند. به طور مشابهی، مدیران توانا می‌توانند از محافظه‌کاری در برنامه‌ریزی مالیاتی با سیاست‌های حسابداری ترجیحی خود استفاده کنند تا خالص ارزش فعلی بدهی مالیاتی را کاهش دهند (کیانگ^۳، ۲۰۰۷).

اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی، توانایی مدیران و محافظه‌کاری

پژوهش‌ها نشان داده است شرکت‌های بزرگ‌تر، رشد یافته‌ترند و محیط‌های اطلاعاتی غنی‌تری دارند که عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعات مرتبط با قابلیت تحقق سودهای آتی را به طور کلی کاهش می‌دهند (ایزلی، ویکجائر و اوهارا^۴، ۲۰۰۲). این مقوله، تقاضای قراردادی کمتری برای محافظه‌کاری از طرف شرکت‌های بزرگ را نشان می‌دهد (فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). از طرفی، در شرکت‌های بزرگ‌تر، مدیریت توانایی بیشتری در هموارسازی سود دارد که این امر باعث می‌شود که ارزش فعلی بدهی مالیاتی در این شرکت‌ها کاهش یافته و از این رو، تقاضای مالیاتی برای محافظه‌کاری نیز کاهش یابد. همچنین، به دلیل وجود هزینه‌های ثابت دادخواهی در این شرکت‌ها، تقاضای حقوقی پایین‌تری برای محافظه‌کاری از طرف شرکت‌های بزرگ‌تر وجود دارد (خان و واتز^۵، ۲۰۰۹؛ فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، جریان وقوع رویدادها در محیط فعالیت شرکت‌های بزرگ نسبت به محیط فعالیت شرکت‌های کوچک، معمولاً از تناوب و یکنواختی بیشتری برخوردار است. این امر باعث می‌شود که بازده شرکت‌های بزرگ، کمتر تحت تأثیر وقوع یک رویداد خاص (انتشار خبر خوب یا بد) قرار گیرد، در حالی که بازده شرکت‌های کوچک معمولاً وابسته به یک یا چند رویداد عمده

1. Mishra
2. Lara, Osma & Penalva
3. Qiang
4. Easley, Hvidkjaer & O'Hara
5. Khan & Watts

است. در نتیجه، محافظه‌کاری در شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک کمتر خواهد بود (گیوولی، هاین و ناتاراجان^۱، ۲۰۰۷؛ مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).

در خصوص ارتباط قراردادهای بدهی با انتخاب رویه‌های حسابداری نیز طبق فرضیه سنتی بدهی، مدیران انگیزه دارند که رویه‌های حسابداری جسورانه (غیرمحافظه‌کارانه) را انتخاب کنند؛ به این علت که قراردادهای بدهی معمولاً شروط تعیین شده‌ای دارند که با متغیرهای حسابداری مرتبط است (برای مثال حداقل نسبت بدهی تعیین شده) که نقض آن‌ها موجب می‌شود به شرکت هزینه‌ای تحمیل شود. رویه‌های حسابداری افزایشدهنده سود، در جلوگیری از نقض این شروط سودمندند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، مدیران با توانایی بالا، سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های اهرمی اعمال می‌کنند.

ماهیت شرکت‌های بزرگ و اهرمی می‌طلبد که مدیر محافظه‌کاری کمتری را در دستور کار قرار دهد؛ مگر اینکه منافع شرکت در اولویت وی نباشد. انتظار می‌رود هر چه مدیر تواناتر باشد، از شرایط شرکت تشخیص دقیق‌تری داشته باشد و تصمیم مناسب‌تری را اتخاذ کند. تصمیمی که بتواند منافع شرکت را بهبود بخشد. اعتقاد بر این است که مدیران تواناتر درک مناسب‌تری از فناوری، روند صنعت و شرکت دارند و با اتکای بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات را پیش‌بینی کنند (دمرجیان، لو و مک وی^۲، ۲۰۱۲). مدیران توانمندتر در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی، دانش و آگاهی بیشتری دارند و همچنین، استانداردهای پیچیده‌تر را بهتر درک می‌کنند و قادرند آن‌ها را به درستی اجرا کنند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، انتظار می‌رود مدیران تواناتر با درک شرایط موجود در شرکت‌های بزرگ و اهرمی، در راستای منافع شرکت از محافظه‌کاری کمتری استقبال کنند.

پیشینه پژوهش‌های تجربی

در پژوهش‌هایی که به بررسی ارتباط بین توانایی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شده است، حیدر و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که توانایی مدیریت ارتباط مثبتی با محافظه‌کاری دارد. نتایج ایگور^۳ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد شرکت‌هایی با مدیر توانا، به‌طور معناداری عدم شفافیت کمتری دارند. پژوهش چویی، سام، سونگ و تونی^۴ (۲۰۱۵) نشان داد در شرکت‌های دارای مدیران توانمندتر، رابطه بین اقلام تعهدی دوره جاری و جریان‌های نقدی آتی قوی‌تر است. همچنین، نتایج دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از آن است که توانایی مدیریت، باعث تجدید ارائه کمتر صورت‌های مالی، پایداری بالای سود، پایداری بالای اقلام تعهدی و خطای کمتر در تخمین مطالبات مشکوک‌الوصول می‌شود. در همین راستا، خو و چیونگ^۵ (۲۰۲۲) نشان دادند که مدیران توانا، مهارت‌های برتری برای پیش‌بینی چشم‌انداز اقتصادی شرکت‌ها و انتقال اطلاعات خصوصی آن‌ها دارند، در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهند و شهرت خود را تقویت می‌کنند.

1. Givoly, Hayn & Natarajan
2. Demerjian, Lev & McVay
3. Uygur
4. Choi, Sam, Sung & Tony
5. Khoo & Cheung

در پژوهش‌های داخلی، نتایج منصورفر، دیدار و حسین‌پور (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که توانایی مدیریت باعث پایداری بیشتر سود و کیفیت بهتر ارقام تعهدی می‌شود. ایزدی‌نیا، گوگردچیان و تنباکویی (۱۳۹۳) نیز به صورت مشابه نشان دادند بین توانایی مدیریتی و تجدید آرائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که مدیران تواناتر، آرائه مجدد صورت‌های مالی کمتر و در نتیجه، کیفیت سود بالاتری دارند. نتایج پژوهش بزرگ اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) مؤید وجود رابطه مثبت بین توانایی مدیریت و پایداری سود و همچنین توانایی مدیریت و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود است؛ ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است. در همین راستا، پیری، دیدار و خدایاریگانه (۱۳۹۳) تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌ها را بررسی کردند. نتایج نشان داد که در دوره رشد، توانایی مدیریتی تأثیر مستقیم و معناداری روی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد. همت‌فر (۱۴۰۰) و رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که وجود مدیران توانا، صورت‌های مالی متقلبانانه را کاهش می‌دهد. همچنین، مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که مدیران توانمند، بر تأخیر اعلان سود و گزارش حسابرسی اثر انفعالی دارند و در نتیجه، افشای اطلاعات مالی به موقع‌تری را موجب می‌شوند. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که افزایش توانمندی مدیران، تأثیر مثبتی بر بهنگام بودن گزارشگری مالی دارد و با انتشار به موقع اخبار اطلاعات مالی، به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران منجر می‌شوند.

در خصوص تبیین رابطه بین اندازه شرکت، اهرم مالی، توانایی مدیران و محافظه‌کاری، حیدر و همکارانش (۲۰۲۱) نشان دادند که مدیران توانمند، سطح بالاتری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های دارای اهرم بالا در مقایسه با سایر شرکت‌ها اعمال می‌کنند. یافته‌های پیوندی (۱۴۰۱) نیز نشان داد که ویژگی‌های شرکت، شامل ویژگی‌های عملیاتی و راهبری بر گزارشگری مالی جسورانه تأثیر معناداری دارد. به صورت مشابه، نتایج پژوهش فروغی و عباسی (۱۳۹۰) حاکی از آن است که بین محافظه‌کاری و اندازه شرکت (اهرم مالی)، رابطه منفی (مثبت) و معناداری وجود دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین بدهی و محافظه‌کاری، در دو معیار مبتنی بر ارقام تعهدی و مبتنی بر ارزش بازار وجود دارد. همچنین، رابطه منفی اندازه شرکت و محافظه‌کاری، تنها در معیار مبتنی بر ارزش بازار تأیید شد، بنابراین در کل نمی‌توان استنباط کرد که بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

در پژوهش‌های پیشین کیفیت سود بر مبنای پایداری سود، کیفیت ارقام تعهدی و تجدید آرائه سود بررسی شده است. در این پژوهش، از دو رویکرد مختلف برای محافظه‌کاری و دو رویکرد مختلف برای توانایی مدیران استفاده شده است. علاوه بر این، به تأثیر تعدیل‌کننده اندازه شرکت و اهرم مالی بر رابطه بین توانایی مدیران و محافظه‌کاری پرداخته شده است؛ زیرا سطح پیچیدگی شرکت (اندازه شرکت یا میزان اهرم مالی) می‌تواند یکی از عوامل مهم در انتخاب مدیران شرکت باشد. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره میزان محافظه‌کاری، ممکن است نتیجه‌ای از اندازه شرکت یا میزان اهرم مالی باشد تا توانایی مدیریت. در پژوهش‌های پیشین به این موضوع توجهی نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند این خلأ را پوشش دهد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده در قسمت‌های قبل، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: توانایی مدیران بر محافظه‌کاری تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: اندازه شرکت تأثیر توانایی مدیران بر محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.

فرضیه سوم: اهرم مالی شرکت تأثیر توانایی مدیران بر محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع هم‌بستگی و بر مبنای هدف از نوع کاربردی است و به‌روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۳۹۹ در بورس فعال بوده‌اند. از آنجا که برای اندازه‌گیری بعضی از متغیرهای پژوهش، از اطلاعات چند سال قبل از سال مورد بررسی استفاده می‌شود، به این اطلاعات از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نیاز است. در انتخاب شرکت‌ها، معیارهای گزینشی زیر انتخاب شد:

۱. قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۳۹۹ نماد آن‌ها از تابلو معاملات حذف نشده باشد؛
۲. با هدف کنترل اثر زمانی و به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛
۳. به‌منظور همگن‌سازی جامعه آماری، شرکت‌ها در دوره مدنظر، سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛
۴. جزء شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، واسطه‌گری‌های مالی نباشند، زیرا افشای مالی و ساختارهای اصول راهبری شرکت در آن‌ها متفاوت است؛
۵. به‌منظور سیال بودن سهام شرکت‌ها و در نتیجه، قابل اتکا بودن قیمت سهام و بازده آن و جهت مقایسه بهتر، معاملات سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد؛
۶. داده‌های مورد نیاز پژوهش موجود باشد.

تعداد ۱۲۵ شرکت که حائز شرایط فوق بودند، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز جهت اندازه‌گیری متغیرها و آزمون فرضیه‌های پژوهش به‌طور کلی از نرم‌افزار رهاورد نوین استخراج شده است و در مواردی که اطلاعات مورد نیاز در دسترس نبود به صورت‌های مالی حسابرسی شده و سایر گزارش‌های منتشره در تارنمای شرکت‌ها، کدال و سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای جمع‌بندی و محاسبات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. سپس تجزیه و تحلیل نهایی، با استفاده از الگوهای رگرسیونی چندمتغیره و به‌کمک نرم‌افزار ایویوز انجام شده است.

الکوها و متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

در این پژوهش از رویکرد محافظه‌کاری مبتنی بر بازار (CONS_B/M) که توسط بیور و ریان^۱ (۲۰۰۰) پیشنهاد شده، برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری استفاده شده است. طبق گفته‌های بیور و ریان (۲۰۰۰)، شرکت‌هایی که ارزش دفتری سهام خود را کمتر از ارزش بازار سهام گزارش می‌کنند، محافظه‌کاری بالایی را نشان می‌دهند. محافظه‌کاری مبتنی بر بازار معیار مهمی است؛ زیرا اثرهای تجمعی محافظه‌کاری را از زمان تأسیس یک شرکت در نظر می‌گیرد (احمد و دوئلمن^۲، ۲۰۰۷). محافظه‌کاری مبتنی بر بازار، به‌عنوان نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار یک شرکت ضرب در ۱- محاسبه شده است تا مقادیر بالاتر این معیار، نشان‌دهندهٔ محافظه‌کاری بیشتر باشد.

متغیر مستقل

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت (Ability) از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چندمتغیره به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی کاربرد دارد. پژوهش حاضر، مشابه روش یاد شده برای بیان خروجی شرکت از متغیر فروش شرکت استفاده می‌کند و برای ورودی از دارایی‌های ثابت، دارایی‌های نامشهود، بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش بهره می‌برد. در مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای ورودی از مخارج تحقیق و توسعه، خالص اجاره عملیاتی و سرقتی هم استفاده شده است که به‌دلیل دسترسی نداشتن به داده‌های آن در ایران، این متغیرها در مدل لحاظ نشده است (مشایخی و عظیمی، ۱۳۹۵). رابطه ۱ برای سنجش کارایی شرکت استفاده می‌شود.

$$\text{رابطه ۱)} \quad \max_y^{\theta} = \frac{\text{Sales}_{it}}{v_1 \text{COGS}_{it} + v_2 \text{SG\&A}_{it} + v_3 \text{PPE}_{it-1} + v_4 \text{Other Intan}_{it-1}}$$

در این مدل، Sales درآمد حاصل از فروش برای شرکت i در سال t ؛ COGS بهای تمام شده کالای فروش رفته برای شرکت i در سال t ؛ SG\&A هزینه‌های عمومی، اداری و فروش برای شرکت i در سال t ؛ PPE خالص دارایی‌های ثابت برای شرکت i در ابتدای سال t ؛ Other Intan دارایی‌های نامشهود برای شرکت i در ابتدای سال t ؛ \max_y^{θ} کارایی شرکت است.

در رابطه ۱ برای هر کدام از متغیرهای ورودی، ضریب خاص (v) در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا اثر همهٔ متغیرهای ورودی بر خروجی یکسان نیست. این روش، مرز کارایی را بین صفر و یک برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. شرکت‌هایی با نمره کارایی یک، شرکت‌هایی بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی با نمره کارایی کمتر از یک، زیر مرز کارایی قرار دارند و

باید با کاهش هزینه‌ها یا افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). هدف از محاسبه کارایی شرکت، اندازه‌گیری توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبه کارایی، ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخیل است، نمی‌توان توانایی مدیریت را به‌درستی سنجید؛ زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود، کارایی شرکت را به دو بخش جدا، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آن‌ها این کار را از طریق کنترل پنج ویژگی ذاتی شرکت (به شرح الگوی ۱) انجام داده‌اند. هر یک از این پنج متغیر به‌عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. پس از حذف ویژگی‌های ذاتی شرکت، مقدار باقی‌مانده بیان‌کننده توانایی‌های مدیر است.

Firm Efficiency

(الگوی ۱)

$$\begin{aligned} &= \beta_0 \\ &+ \beta_1 \ln(\text{Total Assets}) + \beta_2 \text{Market Share} \\ &+ \beta_3 \text{Positive Free Cash Flow} \\ &+ \beta_4 \ln(\text{Age}) + \beta_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon \end{aligned}$$

Firm Efficiency امتیاز کارایی شرکت از طریق روش تحلیل پوششی داده‌ها؛

$\ln(\text{Total Assets})$ لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها؛

Market Share سهم از بازار (مقدار فروش در پایان سال t تقسیم بر جمع فروش کل صنعت در پایان سال t)؛

Positive Free Cash Flow جریان‌های نقدی آزاد مثبت که اگر شرکتی جریان‌های نقدی مثبت داشته باشد،

برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش برای اندازه‌گیری جریان‌های نقدی آزاد، از

شاخص لن و پولسن^۱ (۱۹۸۹) به شرح زیر استفاده می‌شود:

جریان‌های نقدی آزاد = سود عملیاتی + هزینه استهلاک - مالیات بر درآمد - هزینه بهره - سود سهام تقسیمی
 $\ln(\text{Age})$ لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از سال تأسیس

Foreign Currency Indicator نماد ارز خارجی و متغیر مصنوعی است، در صورتی که شرکت صادرات

داشته باشد ارزش یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

ε باقی‌مانده مدل که بیانگر توانایی مدیریت است.

متغیرهای تعدیلگر

اندازه شرکت (DUM_Firm_Size): یک متغیر مجازی است که اگر لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

شرکت مساوی یا بیشتر از ارزش میانه شرکت‌های مورد بررسی باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر

می‌گیرد (حیدر و همکاران، ۲۰۲۱).

اهرم مالی (DUM_Leverage): یک متغیر مجازی است که اگر کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت مساوی

یا بیشتر از ارزش میانه شرکت‌های مورد بررسی باشد، ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد (حیدر و همکاران، ۲۰۲۱).

متغیرهای کنترل

برای آزمون تجربی فرضیه‌های پژوهش، تعدادی از متغیرهای کنترل در تحلیل گنجانده شده‌اند. مطابق با ادبیات قبلی (احمد و دوئلمن، ۲۰۰۷؛ کریشنان و ویسواناتان^۱، ۲۰۰۸)، اندازه شرکت (Firm_Size) یکی از متغیرهای کنترل است؛ زیرا شرکت‌های بزرگ‌تر احتمالاً گزارش محافظه‌کارانه‌تری را برای جلوگیری از هزینه‌های سیاسی زیاد ارائه می‌دهند (واتز و زیمرمن^۲، ۱۹۷۸). برای فرصت‌های رشد/ سرمایه‌گذاری شرکت، نسبت M/B کنترل شده است (احمد و دوئلمن، ۲۰۱۳؛ لارا و همکاران، ۲۰۰۷؛ سلطانا و وان در زان^۳، ۲۰۱۵). رشد فروش (Sales_Growth) به‌عنوان متغیر کنترل‌کننده برای مدل‌های محافظه‌کاری در نظر گرفته شده است (احمد و دوئلمن، ۲۰۰۷). مطابق با احمد و دوئلمن (۲۰۰۷)، انتظار می‌رود که رشد فروش بر محافظه‌کاری تأثیر مثبت بگذارد. اهرم (Leverage) نیز یکی دیگر از متغیرهای کنترل است (کریشنان و ویسواناتان، ۲۰۰۸)؛ زیرا شرکت‌هایی که تضاد بیشتری بین دارندگان اوراق قرضه و سهام‌داران دارند، گزارش محافظه‌کارانه‌تری را ارائه می‌کنند (احمد، بیلینگز، مورتون و استنفورد هریس^۴، ۲۰۰۲). به گفته احمد و همکاران (۲۰۰۲)، شرکت‌هایی که سود بالایی دارند، برای گزارش محافظه‌کارانه، هزینه‌های کمتری نسبت به شرکت‌های با سودآوری کمتر دارند. این بدان دلیل است که شرکت‌های با سودآوری کمتر حتی مقادیر کمتری را برای اعداد حسابداری گزارش می‌کنند تا از محافظه‌کاری پیروی کنند. برای در نظر گرفتن این نگرانی، ROA و Loss در رگرسیون کنترل شده است. علاوه بر ویژگی‌های شرکت، پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا، محافظه‌کاری را افزایش می‌دهد (احمد و دوئلمن، ۲۰۰۷؛ سلطانا، ۲۰۱۵؛ سلطانا و وان در زان، ۲۰۱۵). بنابراین، متغیرهای حاکمیت شرکتی مانند اندازه هیئت مدیره (B_Size) و تخصص مالی کمیته حسابرسی (P_Ac_Fin) در نظر گرفته شده است. در راستای مطالعات قبلی (احمد و هنری^۵، ۲۰۱۲؛ بیور و ریان، ۲۰۰۰؛ کریشنان و ویسواناتان، ۲۰۰۸)، بازده سهام (Ret) نیز به‌عنوان یک متغیر کنترلی در مدل رگرسیون لحاظ شده است. حیدر و همکارانش (۲۰۲۱) نشان دادند با افزایش بازده سهام شرکت‌ها، میزان محافظه‌کاری نیز افزایش می‌یابد.

به پیروی از مطالعه حیدر و همکارانش (۲۰۲۱)، برای آزمون فرضیه اول پژوهش، الگوی ۲ به شرح ذیل برآورد شده

است:

$$\begin{aligned} \text{CONS_B/M} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Ability} + \beta_2 \text{Firm_Size} + \beta_3 \text{M/B} + \beta_4 \text{Leverage} \\ & + \beta_5 \text{ROA} + \beta_6 \text{Sales_Growth} + \beta_7 \text{Loss} + \beta_8 \text{B_Size} \\ & + \beta_9 \text{P_Ac_Fin} + \beta_{10} \text{Ret} + \varepsilon \end{aligned} \quad (\text{الگوی ۲})$$

1. Krishnan & Visvanathan
2. Watts & Zimmerman
3. Sultana & Mitchell Van der Zahn
4. Ahmed, Billings, Morton & Stanford-Harris
5. Ahmed & Henry

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، الگوی ۳ به شرح ذیل برآورد شده است:

$$\begin{aligned} \text{CONS_B/M} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Ability} + \beta_2 \text{Ability} \times \text{DUM_Firm_Size} \\ & + \beta_3 \text{Firm_Size} + \beta_4 \text{M/B} + \beta_5 \text{Leverage} + \beta_6 \text{ROA} \\ & + \beta_7 \text{Sales_Growth} + \beta_8 \text{Loss} + \beta_9 \text{B_Size} + \beta_{10} \text{P_Ac_Fin} \\ & + \beta_{11} \text{Ret} + \varepsilon \end{aligned} \quad \text{الگوی ۳}$$

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش، الگوی ۴ به شرح ذیل برآورد شده است:

$$\begin{aligned} \text{CONS_B/M} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Ability} + \beta_2 \text{Ability} \times \text{DUM_Leverage} \\ & + \beta_3 \text{Firm_Size} + \beta_4 \text{M/B} + \beta_5 \text{Leverage} + \beta_6 \text{ROA} \\ & + \beta_7 \text{Sales_Growth} + \beta_8 \text{Loss} + \beta_9 \text{B_Size} + \beta_{10} \text{P_Ac_Fin} \\ & + \beta_{11} \text{Ret} + \varepsilon \end{aligned} \quad \text{الگوی ۴}$$

در الگوهای فوق؛ CONS_B/M نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، به پیروی از بیور و ریان (۲۰۰۰) متغیر محافظه‌کاری به عنوان کل دارایی‌ها منهای کل بدهی‌ها تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت t برای دوره زمانی t ضرب در -1 محاسبه شده است؛ Ability رتبه توانایی مدیریت است که پیرو دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) محاسبه شده است؛ Firm_Size لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت t برای دوره t ؛ M/B نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت t برای دوره t ؛ Leverage کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت t در دوره t ؛ ROA سود خالص پس از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت t برای دوره زمانی t ؛ Sales_Growth تغییر سالانه فروش شرکت t برای دوره زمانی t ؛ Loss متغیر مجازی برابر با 1 است اگر شرکت t برای دوره زمانی t زیان گزارش کند، در غیر این صورت صفر است؛ B_Size لگاریتم طبیعی تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت t برای دوره زمانی t ؛ P_Ac_Fin تخصص مالی کمیته حسابرسی؛ درصد اعضای هیئت مدیره با تخصص مالی؛ Ret بازده سالانه سهام شرکت t برای دوره زمانی t و ε عبارت خطا است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول ۱، می‌توان بیان کرد که میانگین محافظه‌کاری مبتنی بر بازار شرکت‌های مورد بررسی $0/424-$ است. میانگین متغیر توانایی مدیریت برابر با $0/10$ است که در میان شرکت‌های مورد بررسی، بیشترین رتبه را شرکت نورد قطعات فولادی در سال ۱۳۹۵ و کمترین رتبه را شرکت‌های مخابرات ایران در سال ۱۳۹۸ و ملی صنایع مس ایران در سال ۱۳۹۵ به خود اختصاص دادند. مقدار میانگین برای متغیر اندازه شرکت برابر با $14/827$ است. با توجه به مقدار حداقل و حداکثر این متغیر می‌توان گفت شرکت‌های مورد بررسی از اندازه نسبی خوبی برخوردارند. میانگین فرصت رشد با مقدار $4/220$ نشان می‌دهد که به طور متوسط ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت‌های مورد بررسی طی یک سال برابر بیشتر از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن‌هاست. میانگین نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها برابر با

۰/۵۴۷ است؛ یعنی به‌طور میانگین، حدود ۵۵ درصد سرمایه شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تأمین شده است. میانگین بازده دارایی‌ها نشان می‌دهد که به‌طور متوسط طی یک سال حدود ۱۳ درصد از سودآوری شرکت‌های مورد بررسی از محل دارایی‌ها بوده است. با توجه به مثبت بودن میانگین رشد فروش می‌توان چنین استنباط کرد که میزان فروش شرکت‌های مورد بررسی در حال افزایش است. میانگین زیان خالص نیز بیانگر این است که به‌طور متوسط طی یک سال حدود ۹ درصد از شرکت‌های مورد بررسی، زیان خالص گزارش کرده‌اند. میانگین تخصص مالی کمیته حسابرسی نیز حاکی از آن است که حدود ۶۷ درصد از کل اعضای کمیته حسابرسی را متخصصان مالی تشکیل می‌دهند. در نهایت، میانگین بازده سالانه شرکت‌های مورد بررسی حدود ۳۳ درصد است. با مقایسه میانگین و میانه متغیرها می‌توان گفت که ارزش میانگین اکثر متغیرها بیشتر از ارزش میانه آن‌هاست که انحراف منطقی در توزیع هر متغیر و توزیع راست آن‌ها را نشان می‌دهد. انحراف معیار داده‌ها گویای پراکندگی داده‌ها از میانگین است. انحراف معیار کم، نشان‌دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد، نشان‌دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین است. متغیر اعضای هیئت مدیره شرکت با انحراف معیار ۰/۰۳۵ دارای کمترین پراکندگی از میانگین و متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت با انحراف ۷/۱۴۹، دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است. در بررسی ضریب کشیدگی دیده می‌شود که تمام متغیرهای مورد بررسی، ضریب کشیدگی مثبت، یعنی بلندتر از توزیع نرمال دارند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
محافظه کاری	-۰/۴۲۴	-۰/۳۹۲	-۰/۰۰۷	-۲/۵۶۶	۰/۲۶۵	-۱/۵۸۹	۹/۸۶۹
توانایی مدیریت	۰/۰۱۰	-۰/۰۲۴	۰/۷۸۶	-۰/۴۴۸	۰/۱۹۲	۰/۷۶۶	۴/۰۳۷
اندازه شرکت	۱۴/۸۲۷	۱۴/۴۹۳	۲۰/۶۸۹	۱۱/۰۲۲	۱/۶۲۹	۰/۸۱۹	۳/۴۴۰
فرصت رشد	۴/۲۲۰	۲/۵۴۸	۵۱/۸۸۲	۰/۳۹۰	۷/۱۴۹	۱۳/۳۵۹	۳۰/۲۹۱
اهرم مالی	۰/۵۴۷	۰/۵۵۰	۰/۹۸۷	۰/۰۳۷	۰/۱۷۵	-۰/۲۹۹	۲/۶۴۳
سودآوری	۰/۱۲۷	۰/۱۰۸	۰/۶۰۳	-۰/۲۹۸	۰/۱۳۴	۰/۵۵۹	۳/۹۴۴
رشد فروش	۰/۲۳۷	۰/۱۴۷	۶/۵۵۵	-۰/۶۰۳	۰/۴۷۹	۴/۵۳۴	۱۰/۶۷۶
زیان خالص	۰/۰۸۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲	۲/۹۳۸	۹/۶۳۳
اندازه هیئت مدیره	۱/۶۱۳	۱/۶۰۹	۱/۹۴۶	۱/۶۰۹	۰/۰۳۵	۹/۵۲۷	۹۱/۷۶۱
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۶۶۵	۰/۶۶۷	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۸	-۰/۷۱۶	۲/۵۹۱
بازده سهام	۰/۳۳۰	۰/۱۷۰	۲/۹۴۹	-۲/۱۹۹	۰/۸۵۰	۰/۵۲۹	۲/۹۴۲

آزمون‌های پیش فرض الگوهای رگرسیونی

قبل از تخمین الگوها، بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی، حائز اهمیت اساسی است. در مواردی که از داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود، از فروض کلاسیک رگرسیون، تنها فرض هم‌سان بودن واریانس‌ها و وجود یا عدم وجود خودهم‌بستگی (هاشمی و مشعشی، ۱۳۹۷) موضوعیت پیدا می‌کند. از این‌رو، ابتدا فرض هم‌سان بودن واریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفت که در این پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است. در صورتی که الگو دچار ناهم‌سانی واریانس باشد، برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود و در غیر این صورت، روش حداقل

مربعات معمولی (OLS) برای تخمین الگو به کار می‌رود (سوری، ۱۳۹۳). همچنین، برای بررسی خودهم‌بستگی، از آزمون دوربین - واتسون، به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرها از معیار عامل تورم واریانس (VIF) و جهت پایایی متغیرهای پژوهش نیز از آزمون دیکی فولر استفاده شده است. از طرف دیگر، برای انتخاب روش برآورد الگو به صورت ترکیبی یا تلفیقی، از آزمون F لیمر و به منظور انتخاب رویکرد اثرهای ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است. در نهایت، فرضیه‌ها از طریق نتایج حاصل از الگوهای اقتصادسنجی و رگرسیون چند متغیره آزمون شدند. به منظور تعیین معنی‌دار بودن الگوی رگرسیون از آماره F فیشر و برای بررسی معنی‌دار بودن ضریب متغیرهای مستقل در هر الگو، از آماره t استیودنت استفاده شده است (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

نتایج مربوط به آزمون پایایی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ و نتایج آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون وایت در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج مربوط به سایر آزمون‌ها نیز در قسمت نتایج آزمون هر فرضیه، آورده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	متغیر
پایا	۰/۰۰۰	-۶/۰۷۴	محافظه‌کاری
پایا	۰/۰۰۰	-۱۱/۸۹۵	توانایی مدیریت
پایا	۰/۰۰۰	-۶/۰۳۰	اندازه شرکت
پایا	۰/۰۰۰	-۹/۵۴۹	فرصت رشد
پایا	۰/۰۰۰	-۱۲/۷۶۶	اهرم مالی
پایا	۰/۰۰۰	-۱۳/۷۵۲	سودآوری
پایا	۰/۰۰۰	-۱۷/۷۶۵	رشد فروش
پایا	۰/۰۰۰	-۱۷/۳۱۵	زبان خالص
پایا	۰/۰۰۰	-۷/۹۷۳	اندازه هیئت مدیره
پایا	۰/۰۰۰	-۱۲/۹۷۶	تخصص مالی کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۶/۰۵۴	بازده سهام

جدول ۳. نتایج آزمون‌های F لیمر، هاسمن و وایت

الگو	نوع آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری
۱	F لیمر	۸/۰۷۲	۰/۰۰۰
۱	هاسمن	۲۵۱/۱۵۳	۰/۰۰۰
۱	وایت	۴/۵۶۰	۰/۰۰۰
۲	F لیمر	۷/۹۱۱	۰/۰۰۰
۲	هاسمن	۲۵۴/۵۴۴	۰/۰۰۰
۲	وایت	۵/۰۰۳	۰/۰۰۰
۳	F لیمر	۸/۰۲۷	۰/۰۰۰
۳	هاسمن	۲۴۸/۹۷۸	۰/۰۰۰
۳	وایت	۵/۱۲۷	۰/۰۰۰

نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد سطح معناداری آماره آزمون دیکی فولر کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد برای متغیرها تأیید نمی‌شود. این مطلب بیانگر این است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس آن‌ها بین سال‌های مختلف ثابت است و رگرسیون استفاده شده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش کاذب نیست؛ بنابراین، متغیرهای پژوهش مانا هستند.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، برای تخمین الگوهای پژوهش از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرهای ثابت استفاده شده است. طبق آزمون وایت، به دلیل ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد الگوها استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوی فرضیه اول پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	-۱/۰۶۷	-۲/۷۳۶	۰/۰۰۶	-
توانایی مدیریت	۰/۱۰۲	۲/۴۸۷	۰/۰۱۳	۱/۲۲۸
اندازه شرکت	۰/۰۲۳	۳/۵۲۳	۰/۰۰۱	۱/۴۹۳
فرصت رشد	۰/۰۰۳	۴/۷۸۸	۰/۰۰۰	۱/۲۵۴
اهرم مالی	۰/۴۸۹	۹/۳۱۵	۰/۰۰۰	۱/۷۱۳
سودآوری	۰/۴۵۹	۶/۰۰۵	۰/۰۰۰	۲/۷۴۶
رشد فروش	۰/۰۰۵	۰/۴۴۰	۰/۶۶۰	۱/۲۴۹
زیان خالص	۰/۰۳۱	۱/۲۶۸	۰/۲۰۵	۱/۳۷۰
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۳۵	-۰/۱۵۱	۰/۸۸۰	۱/۰۳۹
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۵	-۰/۲۱۵	۰/۸۳۰	۱/۰۲۲
بازده سهام	۰/۰۴۴	۴/۵۰۳	۰/۰۰۰	۱/۵۱۹
ضریب تعیین (تعدیل شده)	(۰/۴۶۸) ۰/۴۷۹			
آماره دوربین واتسون	۱/۹۷			
آماره F فیشر (سطح معناداری)	۴۵/۰۱۳ (۰/۰۰۰)			

مقدار آماره VIF نشان می‌دهد که مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. مقدار آماره دوربین - واتسون، عدم هم‌بستگی در اجزای باقی‌مانده الگوی رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معناداری آماره F فیشر، معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که در مجموع، ۴۷ درصد از تغییرات ایجاد شده در متغیر وابسته، می‌تواند از طریق متغیرهای مستقل و معنادار شده در این الگو توضیح داده شود. با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد الگو در جدول ۴، ضریب متغیر توانایی مدیران برابر ۰/۱۰۲ و سطح

معناداری آن برابر با ۰/۰۱۳ است. بنابراین، توانایی مدیران بر محافظه‌کاری تأثیر مثبت و معناداری دارد و نشان می‌دهد با افزایش توانایی مدیران، سطح محافظه‌کاری افزایش می‌یابد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوی فرضیه دوم پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	-۲/۹۷۷	-۴/۸۲۴	۰/۰۰۰	-
توانایی مدیریت	۰/۱۷۲	۶/۰۳۵	۰/۰۰۰	۲/۱۹۶
توانایی مدیریت × اندازه شرکت	-۰/۱۲۹	-۶/۷۳۲	۰/۰۰۰	۲/۱۷۴
اندازه شرکت	۰/۱۶۸	۲۷/۰۴۰	۰/۰۰۰	۱/۵۱۴
فرصت رشد	-۰/۰۰۱	-۲/۱۸۷	۰/۰۲۹	۱/۲۶۳
اهرم مالی	۰/۸۳۲	۹/۸۲۹	۰/۰۰۰	۱/۷۲۴
سودآوری	۰/۳۷۸	۴/۴۵۳	۰/۰۰۰	۲/۸۲۶
رشد فروش	-۰/۰۲۰	-۲/۹۵۲	۰/۰۰۳	۱/۲۴۹
زیان خالص	۰/۰۴۴	۵/۵۴۶	۰/۰۰۰	۱/۳۷۸
اندازه هیئت مدیره	-۰/۲۶۲	-۰/۷۷۸	۰/۴۳۷	۱/۰۳۹
تخصص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۰۳۳	-۲/۷۷۳	۰/۰۰۶	۱/۰۲۶
بازده سهام	۰/۰۱۷	۴/۲۰۸	۰/۰۰۰	۱/۵۲۴
ضریب تعیین (تعدیل شده)	۰/۸۹۲ (۰/۸۶۸)			
آماره دوربین واتسون	۱/۸۰			
آماره F فیشر (سطح معناداری)	۳۷/۵۰۶ (۰/۰۰۰)			

مقدار آماره VIF نشان می‌دهد مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. مقدار آماره دوربین - واتسون، عدم هم‌بستگی در اجزای باقی‌مانده الگوی رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معناداری آماره F فیشر، معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده الگو نشان می‌دهد که در مجموع ۸۷ درصد از تغییرات ایجادشده در متغیر وابسته، می‌تواند از طریق متغیرهای مستقل و معنادار شده در این الگو توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگو در جدول ۵، ضریب متغیر توانایی مدیران برابر ۰/۱۷۲ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین، توانایی مدیران بر محافظه‌کاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیران × اندازه شرکت برابر -۰/۱۲۹ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین، مدیران با توانایی بالا، سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های بزرگ اعمال می‌کنند.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوی فرضیه سوم پژوهش در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	-۱/۰۶۹	-۲/۷۵۳	۰/۰۰۶	-
توانایی مدیریت	۰/۱۷۳	۳/۲۳۲	۰/۰۰۱	۲/۸۶۹
توانایی مدیریت × اهرم مالی	-۰/۱۳۲	-۲/۰۴۱	۰/۰۴۲	۲/۴۵۹
اندازه شرکت	۰/۰۲۲	۳/۳۸۱	۰/۰۰۱	۱/۴۹۵
فرصت رشد	۰/۰۰۳	۴/۶۳۶	۰/۰۰۰	۱/۲۵۹
اهرم مالی	۰/۴۸۸	۹/۲۹۹	۰/۰۰۰	۱/۷۱۶
سودآوری	۰/۴۴۲	۵/۷۵۸	۰/۰۰۰	۲/۸۷۸
رشد فروش	۰/۰۰۶	۰/۴۷۷	۰/۶۳۴	۱/۲۵۰
زیان خالص	۰/۰۲۷	۱/۰۸۹	۰/۲۷۷	۱/۳۷۸
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۲۲	-۰/۰۹۶	۰/۹۳۴	۱/۰۴۲
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۴	-۰/۱۶۶	۰/۸۶۸	۱/۰۲۲
بازده سهام	۰/۰۴۴	۴/۵۵۴	۰/۰۰۰	۱/۵۲۳
ضریب تعیین (تعدیل شده)		۰/۴۸۳ (۰/۴۷۱)		
آماره دوربین واتسون		۱/۹۷		
آماره F فیشر (سطح معناداری)		۴۲/۷۵۸ (۰/۰۰۰)		

مقدار آماره VIF نشان می‌دهد مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. مقدار آماره دوربین - واتسون، عدم هم‌بستگی در اجزای باقی‌مانده الگوی رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معناداری آماره F فیشر، معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده الگو نشان می‌دهد که در مجموع ۴۷ درصد از تغییرات به‌وجودآمده در متغیر وابسته، می‌تواند از طریق متغیرهای مستقل و معنادار شده در این الگو توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگو در جدول ۶، ضریب متغیر توانایی مدیران برابر ۰/۱۷۳ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۱ است. بنابراین، توانایی مدیران بر محافظه‌کاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیران × اهرم مالی برابر ۰/۱۳۲- و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۴۲ است. بنابراین، مدیران با توانایی بالا، سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های اهرمی‌تر اعمال می‌کنند.

آزمون‌های استحکام نتایج

برای بررسی استحکام نتایج، پژوهش حاضر با سایر معیارهای اندازه‌گیری توانایی مدیران و محافظه‌کاری، آزمون و نتایج مقایسه شد. بدین منظور، برای محافظه‌کاری، از رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی - گیولی و هاین^۱ (۲۰۰۰) استفاده شد. طبق رویکرد گیولی و هاین (۲۰۰۰)، اگر سود خالص بیشتر از جریان وجه نقد ناشی از عملیات باشد، می‌تواند به اقلام تعهدی منفی در دوره‌های آتی منجر شود؛ بنابراین از شرکت‌های محافظه‌کار انتظار می‌رود که اقلام تعهدی منفی آینده

را گزارش کنند. بنابراین، ارزش پایین‌تر ارقام تعهدی، نشان‌دهنده سطح بالایی از محافظه‌کاری است. مطابق با ادبیات قبلی (احمد و دوئلمن، ۲۰۰۷؛ احمد و هنری، ۲۰۱۲؛ کریشنان و ویسواناتان، ۲۰۰۸)، محافظه‌کاری از طریق ارقام تعهدی (CONS_ACC) به‌عنوان کل سود قبل از ارقام غیرمترقبه، به‌علاوه هزینه استهلاک منهای جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها، به‌طور میانگین طی دوره سه ساله متمرکز بر دوره t اندازه‌گیری شده است. مزیت میانگین در یک دوره سه‌ساله این است که اثر هر ارزش بزرگ موقتی ارقام تعهدی را از بین می‌برد (احمد و دوئلمن، ۲۰۰۷). از آنجا که CONS_ACC معیار معکوسی از محافظه‌کاری است، CONS_ACC در -۱ ضرب شده تا مقادیر بالاتر CONS_ACC نمایانگر محافظه‌کاری بیشتر باشد. همچنین، برای توانایی مدیریت، از لگاریتم طبیعی نسبت کیوتوبین تعدیل شده بر حسب صنعت (Ability (Ind_Ad_Q)) استفاده شد (ایگور، ۲۰۱۸). نسبت کیوتوبین تعدیل‌شده صنعت، با کم کردن میانگین نسبت کیوتوبین کلیه شرکت‌های یک صنعت خاص از نسبت کیوتوبین یک شرکت در آن صنعت محاسبه شده است. ارزش‌های بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتری از توانایی مدیران است. نسبت کیوتوبین، برابر نسبت ارزش بازار دارایی‌های شرکت به ارزش دفتری کل دارایی‌هاست. یافته‌های پژوهش نسبت به معیارهای جایگزین محافظه‌کاری و توانایی مدیریت به قوت خود باقی می‌مانند. شایان ذکر است که به‌دلیل محدودیت در تعداد صفحات مقاله، از آوردن نتایج خودداری شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توانایی مدیران، اهرم مالی و اندازه شرکت، سه عامل مهم مؤثر بر محافظه‌کاری در حسابداری است که در این پژوهش به آن پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که محافظه‌کاری برای شرکت‌هایی که مدیران تواناتری دارند، به‌طور چشمگیری بیشتر است. در توجیه این یافته می‌توان گفت مدیران با توانایی بالا از مهارت‌ها و تخصص استثنایی خود، برای گزارش حسابداری محافظه‌کارانه بر اساس قراردادهای کارا استفاده می‌کنند. همچنین، مدیران با توانایی بالا از محافظه‌کاری پیروی می‌کنند تا از پیامدهایی مثل از دست‌دادن شهرت و مشاغل آینده نیز جلوگیری کنند. این نتایج با پژوهش حیدر و همکاران (۲۰۲۱) در تطابق است. دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که مدیران با توانایی بالا، سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های بزرگ اعمال می‌کنند. در توجیه این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه در شرکت‌های بزرگ‌تر افشای اطلاعات بیشتر و در نتیجه، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر است، در این شرکت‌ها تمایل کمتری به استفاده از محافظه‌کاری وجود دارد. این نتایج با پژوهش مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) در تطابق است. در نهایت، نتایج نشان داد که مدیران با توانایی بالا، سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری را در شرکت‌های اهرمی‌تر اعمال می‌کنند. علت این امر آن است که قراردادهای بدهی، معمولاً شروط تعیین شده‌ای دارند که با متغیرهای حسابداری (برای مثال حداقل نسبت بدهی تعیین شده) مرتبط است که نقض آن‌ها به تحمیل هزینه به شرکت منجر می‌شود. رویه‌های حسابداری افزایش‌دهنده سود در جلوگیری از نقض این شروط سودمندند. این نتایج با پژوهش جیبی، حسنعلی‌پور و فراز (۱۳۹۵)، فروغی و عباسی (۱۳۹۰) و مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) در تطابق است.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود سهام‌داران عمده و اعضای هیئت مدیره، در انتخاب و گزینش مدیران با

بررسی سابقه مدیران، افراد توانمند و کارآمد را انتخاب کنند تا بتوانند با بهبود کیفیت سود، ارزش‌افزایی بیشتری برای مالکان داشته باشند. وجود محافظه‌کاری در صورت‌های مالی بیش از هر گروهی، منافع سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را حفظ می‌کند. از این رو، اطلاع از وجود محافظه‌کاری، می‌تواند تضمین‌خاطری برای این افراد باشد. این گروه انتظار دارند که هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفین قرارداد بیشتر می‌شود، ارقام حسابداری با اعمال محافظه‌کاری بیشتری گزارش شود. نتایج این پژوهش، وجود این ارتباطها را اثبات می‌کند. با توجه به این مطالب، به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که هنگام اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود، به توانایی مدیران شرکت توجه کنند. پیرو پیشنهاد دوم، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که سازوکاری اتخاذ کند تا شرکت‌ها اطلاعاتی را در رابطه با توانایی مدیریت خود ارائه دهند تا سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان را در گرفتن تصمیم یاری کند. همچنین، نتایج نشان داد با افزایش اهرم مالی، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد؛ یعنی مدیران شرکت‌هایی که دارای اهرم مالی بالا و به‌عبارتی دارای بدهی بالا هستند، با توجه به محدودیت‌های اعتباردهندگان تمایلی به محافظه‌کاری بیشتر ندارند. از طرفی، با توجه به اینکه در شرکت‌های بزرگ‌تر، افشای اطلاعات بیشتر و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی کمتر است، مدیران این شرکت‌ها تمایل کمتری به استفاده از محافظه‌کاری دارند. از این رو به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی و به‌طور خاص، محافظه‌کاری، در کنار توانایی مدیران، اندازه و اهرم مالی شرکت را نیز به‌عنوان عوامل اثرگذار در نظر داشته باشند.

به‌منظور انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر با سایر معیارهای اندازه‌گیری توانایی مدیران (برای مثال، عملکرد گذشته مدیران) و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها (برای مثال، سایر روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری، به‌موقع بودن و قابلیت مقایسه سود) آزمون و نتایج مقایسه شود. همچنین، پژوهشگران می‌توانند اثر مواردی مانند تغییرات توانایی مدیریتی و شرایط بازار بر محافظه‌کاری را بررسی کنند. از آنجا که عوامل بالقوه‌ای می‌توانند توانایی مدیران را تحت‌الشعاع قرار دهند، پیشنهاد می‌شود که به بررسی تأثیر معیارهای حاکمیت شرکتی، متغیرهای کلان اقتصادی و هزینه‌های نمایندگی بر ارتباط بین توانایی مدیران و محافظه‌کاری پرداخته شود. در این پژوهش برای مقایسه بهتر نتایج با پژوهش‌های قبلی، از الگوهای اقتصادسنجی استفاده شده است. پژوهشگران آینده می‌توانند از معادلات ساختاری استفاده کرده و نتایج را مقایسه کنند. در نهایت، به‌منظور کنترل تأثیر صنعت، پژوهشگران می‌توانند پژوهش حاضر را به‌تفکیک صنایع موجود در بورس بررسی کنند.

منابع

- افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، لیلی (۱۳۸۹). کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی (چاپ اول). تهران: انتشارات ترمه.
- ایزدی‌نیا، ناصر؛ گوگردچیان، احمد و تنباکویی، مژگان (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۳۶)، ۲۱-۳۶.
- بزرگ اصل، موسی؛ صالح‌زاده، بیستون (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۴(۵۸)، ۱۵۳-۱۷۰.

- پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه و خدایاریگانه، سیما (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۶(۳)، ۹۹-۱۱۸.
- پیوندی، سعیده (۱۴۰۱). ویژگی‌های شرکت و گزارشگری مالی جسورانه. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۲)، ۲۴۲-۲۶۳.
- حبیبی، حمید رضا؛ حسنعلی‌پور، رحمان و فراز، فروغ (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های تأمین مالی با محافظه‌کاری حسابداری. *دانش حسابرسی*، ۱۶(۶۵)، ۱۵۹-۱۷۷.
- رضازاده، جواد؛ محمدی، عبدالله (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۲)، ۲۱۷-۲۳۸.
- سوری، علی (۱۳۹۳). *اقتصادسنجی مقدماتی*. تهران: نشر فرهنگ‌شناسی.
- فروغی، داریوش و عباسی، جواد (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه‌کاری حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۳۲.
- مشایخی، بیتا و عظیمی، عابد (۱۳۹۵). تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۲)، ۲۵۳-۲۶۷.
- مشایخی، بیتا و مطمئن، محسن (۱۳۹۲). ریسک سیستماتیک و محافظه‌کاری مشروط. *تحقیقات مالی*، ۱۵(۱)، ۱۰۹-۱۲۸.
- منصورفر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه و حسین‌پور، وحید (۱۳۹۴). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۷(۱)، ۳۷-۵۴.
- مهرانی، کاوه؛ نظری، هیراد و قاسمی‌فرد، محمدرضا (۱۳۹۹). توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به‌موقع. *پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۱۲(۱)، ۳۲۳-۳۵۱.
- مهرانی، کاوه؛ وافی ثانی، جلال و حلاج، محمد (۱۳۸۹). رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷(۵۹)، ۹۷-۱۱۲.
- هاشمی، سید عباس و مشعشعی، سید محمد (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۱)، ۱۹۹-۲۲۶.
- همت‌فر، محمود (۱۴۰۰). بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۳(۵۰)، ۲۳-۴۲.

References

- Aflatouni, A. & Nikbakht, L. (2010). *Application of econometrics in accounting research, financial management and economics* (first edition). Tehran: Termeh Publications. (in Persian)
- Ahmed, A.S., & Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Economics*, 43(2-3), 411-437.

- Ahmed, A.S. & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1–30.
- Ahmed, A.S., Billings, B.K., Morton, R.M. & Stanford-Harris, M. (2002). The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review*, 77(4), 867–890.
- Ahmed, K., & Henry, D. (2012). Accounting conservatism and voluntary corporate governance mechanisms by Australian firms. *Accounting & Finance*, 52(3), 631–662.
- Alam, P. & Petruska, K.A. (2012). Conservatism, SEC investigation, and fraud. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(4), 399–431.
- Baik, B. O. K., Farber, D.B., & Lee, S. A. M. (2011). CEO ability and management earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 28(5), 1645-1668.
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting Economics*, 39(1), 83–128.
- Beatty, A., Weber, J. & Yu, J.J. (2008). Conservatism and debt. *Journal of Accounting and Economics*, 45(2-3), 154–174.
- Beaver, W.H. & Ryan, S.G. (2000). Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of Accounting Research*, 38(1), 127-148.
- Bozorgasl, M., & Salehzadeh, B. (2015). Relationship between management ability and earnings stability with emphasis on accrual components and cash flows in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Audit Science*, 4(58), 153-170. (in Persian)
- Choi, W., Sam, H., Sung, H. J., & Tony, K. (2015). CEO's operating ability and the association between accruals and future cash flows. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42(5-6), 619-634.
- Custodio, C., & Metzger, D. (2013). How do CEOs matter? The effect of industry expertise on acquisition returns. *The Review of Financial Studies*, 26(8), 2008–2047.
- Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229–1248.
- Demerjian, P.R., Lev, B., Lewis, M.F., & McVay, S.E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- Easley, D., Hvidkjaer, S., & O'Hara, M. (2002). Is information risk a determinant of asset returns? *Journal of Finance*, 57(5), 2185-2221.
- Foroughi, D., & Abbassi, J. (2011). Investigating the factors affecting the application of accounting conservatism. *Empirical Research in Financial Accounting*, 1(1), 113-132. (in Persian)
- Gao, P. (2013). A measurement approach to conservatism and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 55(2-3), 251–268.
- Givoly, D., & Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287–320.
- Givoly, D., Hayn, C. K., & Natarajan, A. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review*, 82(1), 65-106.
- Guay, W. (2008). Conservative financial reporting, debt covenants, and the agency costs of debt. *Journal of Accounting and Economics*, 45(2-3), 175-180.

- Habibi, H., Hasanlipour, R., & Faraz, F. (2016). Investigating the relationship between financing methods and accounting conservatism. *Audit Science*, 16(65), 159-177. (in Persian)
- Haider, I., Singh, H., & Sultana, N. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 17(1), 100242.
- Hashemi, A., & Moshashae, M. (2018). Corporate governance and the relation between investor sentiment and corporate investment decisions. *Empirical Research in Accounting*, 8(1), 199-226. (in Persian)
- Hematfar, M. (2021). The study of relationship between management ability, political relationship and reporting fake finance. *Accounting and Auditing Research*, 13(50), 23-42. (in Persian)
- Izadinia, N., Googerdchian, A., & Tanbakouei, M. (2014). The impact of managerial ability on earnings quality of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 6(3), 21-36. (in Persian)
- Khan, M., & Watts, R.L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), 132-150.
- Khoo, J., & Cheung, A. (2022). Managerial ability and debt maturity. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 18(1), 100295.
- Krishnan, G.V., & Visvanathan, G. (2008). Does the SOX definition of an accounting expert matter? The association between audit committee directors' accounting expertise and accounting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 25(3), 827-858.
- LaFond, R., & Watts, R. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83(2), 447-478.
- Lara, J.M.G., Osmá, B.G., & Penalva, F. (2007). Board of directors' characteristics and conditional accounting conservatism: Spanish evidence. *European Accounting Review*, 16(4), 727-755.
- Lehn, K., & Poulsen, A. (1989). Free cash flow and stockholders gains in going private transactions. *The Journal of Finance*, 44(3), 771-787.
- Lobo, G.J., & Zhou, J. (2006). Did conservatism in financial reporting increase after the Sarbanes-Oxley Act? Initial evidence. *Accounting Horizons*, 20(1), 57-73.
- Mansourfar, G., Didar, H., & Hosseinpour, V. (2015). The effect of managerial ability on earning quality of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 7(1), 37-54. (in Persian)
- Mashayekhi, B., & Azimi, A. (2016). Influence of manager's abilities on the relation between real earning management and future firm performance. *Accounting and Auditing Review*, 23(2), 253-267. (in Persian)
- Mashayekhi, B., Motmaen, M. (2013). Systematic risk and conditional conservatism. *Financial Research Journal*, 15(1), 109-128. (in Persian)
- Mehrani, K., Nazari, H., & Ghasemi fard, M. (2020). Managerial ability and financial reporting timeliness. *Journal of Accounting Advances*, 12(1), 323-351. (in Persian)
- Mehrani, K., Vafi Sani, J., & Hallaj, M. (2010). The relationship between debt contracts, firm size, and conservatism among listed firms in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 17(1), 97-112. (in Persian)
- Mishra, D.R. (2014). The dark side of CEO ability: CEO general managerial skills and cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, 29, 390-409.

- Nikolaev, V.V. (2010). Debt covenants and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 48(1), 137–176.
- Peyvandi, S. (2022). Corporate characteristics and aggressive financial reporting. *Accounting and Auditing Review*, 29(2), 242-263. (in Persian)
- Piri, P., Didar, H., & Khodayar Yeganeh, S. (2014). Investigating the effect of management ability on the quality of financial reporting during the life cycle of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 6(3), 99-118. (in Persian)
- Qiang, X. (2007). The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: Cross-sectional evidence at the firm level. *The Accounting Review*, 82(3), 759-796.
- Rezazadeh, J., & Mohammadi, A. (2019). Managerial ability, political connections and fraudulent financial reporting. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(2), 217-238. (in Persian)
- Souri, A. (2014). *Preliminary econometrics*. Tehran: Farhangology publishing. (in Persian)
- Sultana, N., & Mitchell Van der Zahn, J. L. (2015). Earnings conservatism and audit committee financial expertise. *Accounting & Finance*, 55(1), 279-310.
- Sultana, N., (2015). Audit committee characteristics and accounting conservatism. *International Journal of Auditing*, 19(2), 88–102.
- Uygur, O. (2018). CEO ability and corporate opacity. *Global Finance Journal*, 35, 72-81.
- Watts, R.L., & Zimmerman, J. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards. *The Accounting Review*, 53(1), 112–134.